

شیوه های تدریس و تحصیل فقه و اصول در درس خارج حوزه های علمیه

الف. شیوه های تدریس درس خارج از نظر شکل درس

درباره ی این شیوه ها توضیح مختصری می دهیم و به نقاط ضعف و قوت آن ها اشاره می کنیم.

روش اول: سبک سامرای

سبک سامرای یا مکتب سامرا و یا روش شاگرد محوری؛ این روش درس خارج میرزای شیرازی بزرگ است که بعد در کربلا ادامه یافت. این روش را می توان روش سقراطی نامید که او مساله ای را مطرح می کرد و با استفاده از گفت و گو (دیالوگ) به تکمیل و رفع نقایص آن می پرداخت.

متأسفانه این روش اکنون در حوزه های علمیه به فراموشی سپرده شده است. در این شیوه، میرزای بزرگ فرعی فقهی را مطرح می کرد و تمامی مطالب مربوط به آن را به کمک شاگردان و با بحث های دو طرف، مورد بررسی قرار می داد و حتی چیزی را به عنوان «اصل موضوعی» نمی پذیرفت. در این سبک شاگردان محور بحث هستند و استاد، سخنران جلسه نیست. بلکه در پایان به جمع بندی نظریات و نتیجه گیری می پردازد. در این روش، ساعت شروع درس مشخص بود، اما پایان آن روشن نبود و گاهی تا هفت ساعت ادامه می یافت.

روش دوم: سبک کلاسیک

سبک کلاسیک (استاد محوری)؛ این روش متاخران حوزه نجف و قم است و امروزه متداول ترین روش تدریس در حوزه علمیه قم است. در این سبک، استاد یک فرع فقهی یا اصولی را مطرح می کند و اقوال و دلایل آن را بررسی می کند و در پایان نظر خویش را بیان می کند. در این شیوه استاد فعال است و مانند سخنران عمل می کند و شاگردان کم تر فعال هستند.

این سبک خود به دو قسمت فرعی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱. روش مرحوم آخوند خراسانی

در این شیوه، شاگردان قوی و مستعدتر، در جلسه دوم، درس استاد را برای شاگردان ضعیف تقریر می‌کنند و آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند تا طلاب ضعیف بتوانند بهتر از درس استفاده کنند و ابهام‌های درس برای آنان برطرف شود. مرحوم آیت‌الله بروجردی نیز اصرار داشتند تا همین شیوه را در قم پیاده کنند که عملی نشد.

۲. روش مرحوم درچه‌ای

روش مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر درچه‌ای: ایشان صبح‌ها در مسجد نو اصفهان درس فقه و اصول، تدریس می‌کردند و عصرها هم همان درس را برای افرادی که در کلاس صبح حضور نداشتند و یا درس را خوب درک نکرده بودند، تکرار می‌کردند.

روش سوم: روش جلسه‌ی پرسش و پاسخ

روش جلسه‌ی پرسش و پاسخ همراه با درس روزانه: در این شیوه استاد، بعد از جلسه اول درس، ساعتی را تعیین می‌کند تا شاگردان در کنار او جمع شوند و پاسخ‌گوی سؤالات و اشکالات آنان می‌شود.

روش چهارم: روش مرحوم اصفهانی

روش مرحوم اصفهانی (کمپانی): در این شیوه، استاد درس را از چند روز قبل می‌نویسد و متن آن تکثیر می‌شود و در اختیار طلاب قرار می‌گیرد. این روش سبب می‌شود تا طلاب فرصت پیش مطالعه و دقت و اشکال پیدا کنند و خود را برای بحث با استاد آماده کنند و در حقیقت این جزوه‌ها، جای یک جلسه درس را می‌گیرد. این شیوه برای اولین بار به دست مرحوم کمپانی در نجف اجرا شد، و اکنون نیز در حوزه علمیه قم برخی از اساتید معظم درس خارج از این روش استفاده می‌کنند.

روش پنجم: استفاده از نوار درسی

استفاده از نوار درسی قبل از درس استاد؛ برخی از اساتید درس خارج که قبلاً یک دوره درس را القا فرموده‌اند و به صورت نوار درآمده است، شاگردان می‌توانند قبل از درس از نوار استفاده کنند و به پیش مطالعه درس بپردازند و خود را برای سؤال و اشکال در جلسه ی درس استاد آماده کنند.

روش ششم: سبک تحقیقی جمعی

در این روش، استاد و شاگرد به روش معمول وجود ندارد، بلکه چند نفر موضوعی فقهی یا اصولی را انتخاب می‌کنند و آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. آن‌گاه در جلسه‌ای علمی، یافته‌های خود را با دیگران در میان می‌گذارند و به نظریات یک دیگر اشکال می‌گیرند یا در مقابل اشکالات دیگران از نظریات خود دفاع می‌کنند و در نهایت هر کس نظری را انتخاب می‌کند. این شیوه خود به چند صورت انجام می‌گیرد:

الف) بدون حضور استاد؛

ب) با حضور یکی از اساتید درس خارج؛

پ) همراه با متن ثابت مثل جواهرالکلام در فقه؛

ت) بدون متن ثابت، ولی گاهی فردی درباره موضوعی تحقیق می‌کند و حاصل آن تکثیر می‌شود و در اختیار دیگران قرار می‌گیرد تا محور بحث قرار گیرد. این سبک مورد توجه مرحوم عیاشی و علامه مجلسی بوده است، و اکنون نیز در جلسات استفتای برخی مراجع مورد استفاده واقع می‌شود که از با برنامه‌ترین و جالب‌ترین آن‌ها، جلسه تحقیق جمعی مقام معظم رهبری است. در دانشگاه‌ها نیز برای تدوین پایان نامه‌ها، وقتی استاد راهنما تعیین می‌کنند، در حقیقت همین روش را دنبال می‌کنند.

بررسی شیوه‌ها:

هر کدام از این شیوه‌ها امتیازات خاص خود را دارد، هر چند ممکن است اشکالاتی را نیز در پی داشته باشد.

نقاط قوت و ضعف شکل درس:

در این نوشتار کوتاه فرصت آن نیست که تمامی نقاط قوت و ضعف بیان شود و مورد ارزیابی قرار گیرد، ولی به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان گرامی می‌گذاریم.

نقاط قوت:

از شیوه‌ای تدریس درس خارج از نظر شکل درس برخی امتیازات آن عبارتند از:

برخی امتیازات مکتب سامرا

مجتهدپروری مکتب سامرا معروف است و لذا افرادی مثل آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شهید شیخ فضل الله نوری، سید محمد فشارکی و غیره از دست پروردگان این مکتب هستند.

فعال کردن شاگردان که امروزه مورد توجه روان شناسان تعلیم و تربیت است،

امتیاز دیگر این مکتب است؛ همان طور که توجه به تحقیق و دقت و تکیه بر فکر کردن نیز از نقاط قوت این روش است.

سبک استاد محوری

اداره کلاس درس به صورت منظم و مرتب و نظم در بیان (در برخی اقسام فرعی آن) از نقاط قوت این سبک است. همان طور که مشخص بودن موضوع درس سبب می‌شود تا مباحث به زودی به نتیجه برسد و بحث از موضوع خارج نشود.

سبک دومرحله‌ای

فعال بودن شاگردان در جلسه دوم درس باعث می‌شود تا عمل یادگیری بهتر صورت گیرد. هم چنین این جلسات موجب پرورش اساتید قوی برای آینده حوزه و معرفی چهره‌های با استعداد می‌شود. به علاوه شاگردان را به مطالعه و دقت برای حضور در جلسه دوم، وادار می‌کند.

سبک تحقیقی جمعی

این شیوه برای افرادی که چند سال درس خارج گذرانده‌اند و کسانی که در بیرون از حوزه‌ها مشغول فعالیت هستند، بسیار مفید است و افراد را به فعالیت علمی مفیدی می‌کشاند و پیش رفت بیشتری را در پی دارد و سبک مجتهدپروری است؛ به همین دلیل بزرگان بر اجرای آن اصرار دارند. در حقیقت اگر این سبک تحت نظر استاد صورت پذیرد، همان سبک سامرایی است.

نقاط ضعف:

به هر کدام از این شیوه‌ها اشکالاتی وارد کرده‌اند که احتیاج به بررسی دقیق دارد تا بتوانیم قضاوت صحیحی داشته باشیم.

۱. در مکتب سامرایی: نپذیرفتن اصل موضوعی در بحث و مشخص نبودن زمان پایان درس، موجب بی‌نظمی در بحث و خستگی شاگردان می‌گردد.

۲. در روش استاد محوری: فعال نبودن شاگردان و عدم فرصت کافی برای سؤال و رفع اشکال کردن و نامنظم بودن یا مغلق‌گویی در برخی از اقسام فرعی این شیوه، می‌تواند به صورت اشکال مطرح شود.

۳. در سبک دو مرحله‌ای: این روش وقت زیادی را از اساتید محترم و شاگردان می‌گیرد.

ب. شیوه‌های تدریس درس خارج از نظر محتوا

از نظر محتوا و کیفیت و به طور خاص از نظر چینش و ترتیب درس خارج، می‌توان به چند روش اشاره کرد که عبارتند از:

روش اول: روش قدما

تا قبل از مرحوم آیت‌الله بروجردی روش بر این بود که ابتدا «اصل» در مساله و سپس دلایل آن بیان می‌شد.

روش دوم: روش آیت‌الله بروجردی

ایشان ابتدا سیر تاریخی مساله را بررسی می‌کردند و سپس دلایل مساله را مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند و اگر دلیلی نبود، به سراغ ادله فقهتی (اصول عملیه) می‌رفتند.

روش سوم: روش امام خمینی

ایشان ابتدا دلایل مساله را بررسی می‌کردند و سپس اقوال علما را تجزیه و تحلیل می‌کردند. می‌فرمودند: «اول ببینیم خودمان از ادله چه می‌فهمیم.» آن‌گاه به بررسی نظریات دیگران می‌پرداختند.

روش چهارم: روش سه بخشی

در برخی از درس‌های حوزه علمیه قم به این ترتیب عمل می‌شود:
اول: ذکر اقوال علما در مساله تا سیمای کلی و عمومی مساله روشن شود.
دوم: بیان دلایل موافق و مخالف و نقض و ابرام آن‌ها؛
سوم: جمع بندی و نتیجه گیری.

روش پنجم: روش چهار بخشی

این روش نیز در برخی از درس‌های فعلی حوزه علمیه قم مرسوم است که بدین ترتیب عمل می‌شود:
اول: ذکر موضوع مساله و تقسیم بندی‌های آن؛
دوم: بیان اقوال موافق و مخالف؛
سوم: بیان دلایل از قرآن، روایات، عقل و اجماع و نقد آن‌ها و در صورت لزوم بیان اصل در مساله؛

چهارم: جمع‌بندی اقوال و دلایل و نتیجه‌گیری.

بررسی شیوه‌ها

هر کدام از این روش‌ها، نقاط قوت و ضعفی دارد که مجال بیان آن‌ها در این مختصر نیست، ولی شیوه چهارم کامل‌ترین روش به نظر می‌رسد؛ هر چند از نظر عدم بیان سیر تاریخی مساله، ناقص است.

ج. شیوه‌های تدریس مختص درس خارج فقه:

در تدریس خارج فقه حوزه‌های علمیه، روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود:

روش اول: سبک فقه الحدیث

این شیوه درسی آیت‌الله بروجردی در علم فقه بود. در این روش برای بررسی فرعی فقهی، به علم «اصول فقه» کم‌تر توجه می‌شود و سعی می‌کنند با بررسی پیشینه تاریخی هر مساله و با توجه خاص به علم رجال و طبقه‌بندی راویان حدیث و برطرف کردن تقطیع احادیث، حکم هر مساله را از احادیث مربوط به آن استخراج کنند و در صورت ضرورت و لزوم، به علم اصول یا اصول عملیه پناه می‌برند.

روش دوم: سبک فقه مبتنی بر اصول

در این شیوه، تکیه اصلی بر اصول است و سعی می‌کنند با تکیه بر قواعد اصولی، دلایل را بررسی کنند. در این روش، به علم رجال توجهی نمی‌شود و گاهی فرض‌هایی در فقه مطرح می‌شود که در طول عمر انسان یک بار هم اتفاق نمی‌افتد. بدین سبب برخی از بزرگان بر این شیوه خرده گرفته‌اند که افراط اصول، سبب دوری انسان از فهم عرفی می‌شود که شارع طبق آن سخنان خود را القا فرموده است.

روش سوم: سبک فقه مقارن

این شیوه که یادگار شیخ طوسی است بر استفاده از اقوال عامه و بررسی آن‌ها تکیه می‌کند. اولین کتاب در این زمینه «خلاف» شیخ است که در آن سعی شده، نظریات شیعه و سنی آورده و مقایسه شود. مرحوم آیت‌الله بروجردی این سبک را احیا کرد. ایشان همان‌طور که به شان نزول آیات اهمیت می‌داد، به سیر تاریخی و موقعیت صدور حدیث هم اهمیت می‌داد و آن را در فهم احادیث مؤثر می‌دانست.

روش چهارم: سبک فقه پویا

سبک فقه پویا (هماهنگ با زمان و مکان)؛ این شیوه از دیرباز مورد توجه علمای شیعه بوده است. آثار تاثیر زمان و مکان در اجتهاد را در فتوای میرزای بزرگ در تحریم تنباکو می‌توان ملاحظه کرد. امام خمینی این سبک را حیاتی تازه بخشید و فرمود: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند».

البته درباره مقدار و حدود دخالت زمان و مکان در مصادیق، موضوعات، متعلق احکام و در نتیجه در اجتهاد و صدور حکم و فتوا، بحث بسیار است، ولی این مطالب منافاتی با این که فقه پویا سبکی فقهی است ندارد.

د. شیوه‌های تدریس مختص درس خارج اصول:

اصول فقه در درس‌های خارج حوزه علمیه با دو روش متفاوت مورد بحث قرار می‌گیرد:

روش اول: سبک فلسفی

بیان مطالب و قواعد اصولی براساس اصطلاحات فلسفی و داخل کردن مباحث فلسفی و حقیقی با مباحث اعتباری و عرفی اصول، از خصوصیات این روش است. این شیوه در زمان شیخ انصاری کم کم پا به عرصه وجود گذاشت، در حوزه نجف به اوج خود رسید و علم اصول به صورت علم نیمه معقولی درآمد که در حواشی مرحوم کمپانی کاملاً ظاهر شد؛ به همین دلیل برخی بزرگان بر این شیوه خرده گرفته‌اند که سبب خلط مباحث اصول و فلسفه شده، آن را از عرفی بودن دور کرده و باعث تورم علم اصول شده است.

روش دوم: سبک عرفی

پیدایش علم اصول برای کمک به فهم و تحلیل مفاهیم قرآن و حدیث است و آن دو براساس لغات و اصطلاحات عرف شکل گرفته است. پس اساس علم اصول در مباحث خود مثل عام و خاص، مطلق و مقید و غیره مبتنی بر ارتکازات عرفی مردم است. این شیوه از زمان شیخ طوسی پدید آمده و تا زمان حاضر ادامه داشته است.

ه. شیوه‌های تحصیل درس خارج

همان‌گونه که روش‌های تدریس درس خارج گوناگون بود، شیوه‌های تحصیل آن نیز متفاوت است. طلاب با توجه به استعداد و ذوق خود شیوه‌های متفاوتی را در درس خارج برمیگزینند، که ما آن‌ها را به هفت روش تقسیم می‌کنیم:

روش اول: روش شاگرد محوری

در این شیوه شش مرحله طی می‌شود که عبارتند از:

۱. پیش مطالعه یعنی با توجه به منابع و کتب علمای پیشین به بررسی اقوال و دلایل هر فرع فقهی یا اصولی می‌پردازند و نظریه‌ای را انتخاب می‌کنند.
۲. پیش مباحثه، یعنی قبل از شروع درس، مطلب درس آینده را با هم مباحثه‌ای خود بررسی می‌کنند و به اشکال بر یک دیگر و تبادل نظر می‌پردازند.
۳. شرکت در درس استاد با ذهنی که به وسیله ی پیش مطالعه و مباحثه آماده شده است که گاهی با نوشتن مطالب مهم درس استاد همراه است.
۴. سؤال و اشکال کردن در درس که موجب رفع ابهام‌های ذهنی یا تصحیح نظریات استاد می‌شود و در نهایت طلبه بدین وسیله، نظریه انتخابی خود را در معرض آزمایش قرار می‌دهد.
۵. مرور مجدد و مطالعه نظریات و دلایل استاد و انتخاب نظر نهایی به وسیله شاگرد.
۶. نوشتن کامل درس به صورت منقح همراه با خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده که به منظور حفظ و جمع آوری نظریه استاد و شاگرد صورت می‌گیرد.

روش دوم: روش استاد محوری

در این شیوه، طلاب پنج مرحله را در تحصیل درس خارج طی می‌کنند:

۱. شرکت در درس و شنیدن سخنان استاد؛
۲. نوشتن درس استاد در جلسه درس (بی‌کم و کاست)؛
۳. مطالعه درس بعد از اتمام جلسه استاد، با توجه به کتاب‌های عالمان متقدم و متاخر؛
۴. انتخاب نظریه؛
۵. مباحثه منظم با دوستان هم درس، پیش از شروع جلسه بعدی استاد.

روش سوم: روش چهار مرحله‌ای

این روش شامل مراحل زیر است:

۱. حضور در کلاس درس؛
۲. نوشتن درس استاد در جلسه بدون کم و کاست؛
۳. مطالعه نوشته‌های آن جلسه بعد از درس؛
۴. مباحثه با دوستان هم کلاس، پیش از درس جدید.

روش چهارم: روش سه مرحله‌ای

این روش شامل مراحل زیر است:

۱. حضور در درس؛
۲. نوشتن درس؛
۳. مطالعه درس بدون مباحثه.

روش پنجم: روش دو مرحله‌ای

این روش شامل حضور در درس استاد و نوشتن درس می‌شود.

روش ششم: روش یک مرحله‌ای

که همان حضور در درس استاد است.

روش هفتم: شیوه تحقیق جمعی

این شیوه که مخصوص طلاب با سابقه درس خارج است، برای تقویت قوه استنباط و حفظ آن مفید می‌باشد. پیش از این، در روش‌های تدریس، این شیوه را توضیح دادیم؛ زیرا این شیوه اگر با حضور استاد صورت پذیرد یکی از شیوه‌های تدریس محسوب می‌شود.

در این شیوه محققان مراحل زیر را می‌گذرانند:

۱. پیش مطالعه بر اساس متنی معین؛

۲. انتخاب نظریه؛

۳. طرح نظریه هر محقق در جمع دوستان هم بحث که همراه با نقد و بررسی و دفاع از آن است؛

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی به دست یکی از اعضای جلسه که در جایگاه مدیر داخلی واقع است؛

۵. نوشتن خلاصه بحث.

بررسی شیوه‌ها:

هرکدام از این روش‌ها، نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارد، ولی ما به اختصار به پاره‌ای از امتیازها و اشکال‌هایی که برای این روش‌ها ذکر کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

روش اول: (شاگرد محوری) موجب رشد سریع قوه استنباط و اعتماد به نفس طلاب می‌شود. در این شیوه، مسایل با تفکر بررسی می‌شود و شاگرد فعال است و روش گردآوری و سامان دادن به مطالب و عرضه‌ی آن‌ها را می‌آموزد و محقق بار می‌آید. او با نظریات دیگران با احترام برخورد می‌کند و نحوه منطقی فکرکردن را می‌آموزد و از مرحله بررسی مطالب دیگران می‌گذرد و در صدد طرح مطالب تازه برمی‌آید.

روش پنج مرحله‌ای (استاد محوری): این شیوه، موجب تاخیر در رشد قوه استنباط می‌شود. شاگرد در جلسه درس آمادگی اشکال و سؤال ندارد و در حقیقت استاد فعال است و شاگرد به صورت انفعالی عمل می‌کند و گاهی تا پایان درس به دنبال موضوع می‌گردد؛ در نتیجه در فهم مطالب با مشکل روبه‌رو می‌شود. روش چهار مرحله‌ای و سه مرحله‌ای و دو و یک مرحله‌ای: همان اشکال‌های روش پنج مرحله‌ای را دارد، به علاوه اشکال‌های واضح دیگری نیز دارد؛ مثل عدم مراجعه به منابع، انتخاب نکردن نظریه، مباحثه نکردن، ننوشتن درس و تنظیم نکردن آن و غیره. امتیازات روش تحقیق جمعی قبلاً گذشت.

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی که از مراجع و اساتید درس خارج حوزه علمیه قم بود معتقد بودند: «آن چه برای یک طلبه مهم است، آن است که علاوه بر این که تمامی گفته‌های استاد را در حافظه‌اش ضبط می‌نماید، باید آن‌ها را با معیارهای فکری مورد قبول خود سنجیده و صحت و سقم آن را از نقطه نظر خود تشخیص دهد. یعنی در همان جلسه درس، مساله را تمام کند و شب برای آن که این مطلب را فراموش نکند آن‌ها را یادداشت کند».